

چالش‌های تحقق دموکراسی در عراق با تاکید بر اقلیم کردستان (۲۰۰۳ الی ۲۰۱۹)

عبدالرحیم قادری

دانشجوی دکتری رشته علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات،
دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مجتبی مقصودی^۱

دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

محمد مهدی مجاهدی

استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات،
دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

صادق زیبا کلام

استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات،
دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۹

تاریخ ارسال: ۱۳۹۹/۹/۱۲

چکیده

تحقق دموکراسی در عراق به‌ویژه در اقلیم کردستان با چالش‌های عدیده‌ی فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی و سیاسی امنیتی مواجه است که به سدی در مسیر دموکراتیزاسیون بدل شده‌اند. مقاله‌ی حاضر در تلاش است تا به این سوال پردازد که «چالش‌های تحقق دموکراسی در عراق با تمرکز بر اقلیم کردستان کدامند و چگونه به مانعی در مسیر دموکراتیزاسیون بدل شده‌اند؟» در پاسخ اولیه می‌توان اذعان کرد که «عراق و به‌ویژه اقلیم کردستان از ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۹ طیفی از چالش‌ها در مسیر گذار به دموکراسی از قبیل خشونت علیه اقلیت‌ها، ظهور رادیکالیسم اسلامی، غلبه‌ی فراملی‌گرایی، بحران رانتیریسیم، شکاف در لایه‌های نخبگان ملی و نیز مداخلات خارجی مواجه بوده است». یافته‌های مقاله نیز صحت این مولفه‌ها را در کنار موضوعاتی از قبیل نظام قضایی نا عادلانه و توسعه‌ی اقتصادی نامتوازن به‌عنوان موانع تحقق دموکراسی در این کشور را تایید می‌نماید. این پژوهش از روش ترکیبی کمی و کیفی در یک مطالعه واحد به‌طور همزمان بهره می‌برد تا ضمن تفسیر تاریخی با بررسی روندها، ابعاد و کمیت‌ها به تشریح و تبیین سوال اصلی پردازد. روش جمع‌آوری داده‌ها از نوع اسنادی و از منابع کتابخانه‌ای و اسناد و آمارهای معتبر است؛ بعلاوه در این

مقاله از منابع کردی با رویکرد چند علتی به جای رویکرد تک علتی - تقلیلی استفاده شده است تا درک عمیق‌تری از وضعیت چالش عدم تحقق دموکراسی در عراق با تمرکز بر اقلیم ارائه شود.

کلمات کلیدی: دموکراتیزاسیون، عراق، اقلیم کردستان، اقتدارگرایی، رانتیریسیم، شکاف نخبگان

مقدمه

بررسی گذار به دموکراسی یکی از مهمترین مباحث در علم سیاست معاصر به شمار می‌رود و این امر همواره با خوانش‌های جدیدی در جهان مدرن روبرو بوده است. اصل موضوع گذار به دموکراسی و مباحث و نظریات مربوط به آن مبتنی بر گذار از رژیم‌های غیردموکراتیک به دموکراتیک است و تکیه آن علاوه بر توافق - اجماع ضمنی و انتخاب مدلی مطلوب، گذار از دوران فروپاشی سیستم سیاسی غیردموکراتیک سپس شکل‌گیری و در نهایت تداوم و تعمیق حیات دموکراتیک است که هدف نهایی گذار به دموکراسی تلقی می‌گردد.

در عراق به ویژه در اقلیم کردستان در وهله‌ی نخست مسئله دموکراسی به مسائل و بحران‌های قومی در آن منطقه در نسبت با سیاست و حکومت باز می‌گردد و از این رو مسئله‌ای مرتبط با هویت ملی است. در این کشور پس از حذف موفقیت‌آمیز رژیم بعث در ۹ آوریل ۲۰۰۳، دوران گذار به سمت دموکراسی آغاز شد. عراقی‌ها و رهبران کرد این کشور پس از فدرالیسم در سال ۲۰۰۴ استقلال خود را پس گرفتند، آنها موفق به نوشتن و تصویب قانون اساسی جدید شده، به برگزاری منظم انتخابات استانی و عمومی پرداخته و شروع به ایجاد سنت انتقال صلح‌آمیز قدرت سیاسی به دیگری منتخب و نیز زیست مدنی مبتنی بر حاکمیت جایگاه نظام پارلمانی نمودند.

با این وجود جامعه چند پاره عراق و اقلیم با شکاف‌های عمیق فرهنگی و تاریخی، اقتصادی و سیاسی - امنیتی مواجه است. در واقع فرهنگ سیاسی مبتنی بر انگیزش‌های قومی - طایفه‌ای در عراق و کردستان، در کنار بحران رانتیریسیم، مشکلات مرتبط با اسلام‌گرایان رادیکال، عدم شکل‌گیری نخبگان ملی و دیگر عواملی چون مداخلات خارجی، مانع تحقق دموکراسی در آن شده است. لذا، با عنایت به آنچه گفته شد، این مقاله در تلاش است تا به بررسی مهم‌ترین چالش‌های تحقق دموکراسی در عراق با تاکید بر اقلیم کردستان (۲۰۰۳ - ۲۰۱۹) بپردازد.

رویکرد نظری

دموکراتیزاسیون به مثابه تغییر اساسی سیاسی به فرایند انتقال به یک رژیم سیاسی مردم سالار اطلاق می‌شود که با جهت‌گیری دموکراتیک در راستای اقتدار حاکمیت مردم حرکت می‌کند، که به لحاظ تاریخی امواجی را پشت سر گذاشته است. این انتقال در اوایل قرن بیستم تحت عنوان غربی‌شدن در خاورمیانه شناخته می‌شد. هرچند بنا به یکی از استدلال‌های کلیدی ادوارد سعید به‌عنوان شرق‌شناس برجسته، ادراک عمدتاً غربی از ناسازگاری ذاتی بین ارزش‌های دموکراتیک و اسلامی است. علاوه بر این، وی اظهار داشت که «خاورمیانه و شمال آفریقا فاقد شرایط و زمینه‌های لازم دموکراتیزاسیون هستند» (Posusney and Angrist, 2005: 12-14). چرا که او بر تفاوت‌های تاریخی و فرهنگی میان این منطقه و نیز رویکرد غربی به دموکراسی تاکید داشت.

در این میان، دموکراتیزاسیون به شیوه‌ی غربی، به مثابه مسأله‌ای بنیادین عاملی شد تا غرب برای تغییرات دموکراتیک در مناطق مختلف دست به کار شود. حتی گاهی از مداخله در کشورها نیز حمایت شد. استیون لوییتسکی^۱ و لوکان‌وای^۲، اظهار داشته‌اند که روابط نزدیک با غرب، احتمال دموکراتیزه‌شدن را پس از پایان جنگ سرد افزایش داده است (Levitsky and Way: 2010: Introduction). یک مطالعه در سال ۲۰۰۲ نشان داد که عضویت در سازمانهای منطقه‌ای «با انتقال به دموکراسی در دوره ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۲ ارتباط دارد» (Pevehouse, 2002: 519). با این وجود، یک مطالعه در سال ۲۰۰۴ هیچ مدرکی مبنی بر نقش کمک‌های خارجی به دموکراتیک‌شدن کشورها نشان نداد (Knack, 2004: 258). در مقابل نزدیکی به غرب و پیوند متعادل و خودخواسته با آن، موضوع مداخله‌ی خارجی برای گسترش دموکراسی مطرح است. در این راستا، رابرت دال در کتاب "دموکراسی" عنوان کرد که «مداخلات خارجی به شکست روندهای دموکراتیک کمک می‌کند. استناد وی به مداخلات شوروی در اروپای مرکزی و شرقی و مداخلات ایالات متحده در آمریکای لاتین است» (Dahl, 2019).

رابرت کوهن^۳ برای موفقیت دموکراسی پنج شرط در نظر می‌گیرد که عبارتند از: ۱. شرایط مادی، یعنی شرایط جغرافیایی و ترتیبات اقتصادی. ۲. شرط قانون اساسی، یعنی تمهید سازواره حقوقی از جمله اجازه تشکیل آزادانه اجتماعات و انتقاد از نخبگان سیاسی، آزادی فکر و انتشار آن. ۳. شرایط فکری که به استعداد شهروندان برای استفاده از داده‌ها و نحوه استفاده از آن‌ها برای اجرای وظایف دموکراتیک خودشان برمی‌گردد. ۴. شرایط روانشناختی، یعنی ویژگی‌های ساخت روانی و مسائلی از جمله لزوم تجربی‌اندیشی شهروندان با میل به مصالحه و با فرض احتمال اشتباه در عقاید جزمی و... ۵. شرایط حفاظتی دموکراسی که شامل قابلیت‌های دفاع از خود در برابر فساد داخلی یا تهاجم خارجی است (قادری، ۱۳۸۷: ۴۸). این شروط کلاسیک، به شکل نسبی قابل استفاده در دوران معاصر است و می‌تواند جهت فهم تحقق دموکراسی مورد استفاده قرار گیرد. با عنایت به موضوعات مذکور و نیز با تمرکز بر مسأله‌ی چالش‌های تحقق دموکراسی در عراق با تمرکز بر اقلیم کردستان مبنی بر مباحث نظری فوق، این مقاله به شناسایی مهم‌ترین این مولفه‌ها ذیل نمودار زیر رسیده است:



شکل ۱: چالش‌های تحقق دموکراسی در عراق به ویژه در اقلیم کردستان منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

1- Steven Levitsky

2- Lucan Way

3- Robert Cohen

در ارتباز با تحولات عراق و اقلیم کردستان در دو دهه اخیر آثار زیادی به رشته تحریر درآمده است که البته مفاهیم موانع دموکراتیزاسیون کمتر مورد توجه بوده است. برخی از آثار شاخصی که بیشتر به این مهم توجه داشته اند را در ادامه بررسی می‌نمایم.

دلاور عبدالعزیز علاءالدین (۲۰۱۲)، در کتابی با عنوان «دولت سازی - نقشه راه قانون» چاپ انستیتوی مطالعات خاورمیانه اربیل، اشاره دارد که در اقلیم کردستان فرهنگ کاریزمایی و ضعف جامعه‌ی مدنی و ساختار عشیره‌ای ملاک قدرت نیروهای سیاسی است، لذا آن‌ها را در تضاد با رشد فرهنگ سیاسی و ساختار اجتماعی اکثریت و اقلیت می‌بیند و بر این نظر است که پایبندی نمایندگان به احزاب مطبوع خویش بیشتر از پاسخگویی آنها در برابر رای دهندگان می‌باشد. اهمیت کتاب در آن است که از بعد جامعه‌شناسی سیاسی نسبت به بررسی مسائل اقلیم کردستان پرداخته اما تاثیرپذیری فرهنگ سیاسی اقلیم کردستان از جامعه و بافت و ساختار سیاسی - اجتماعی عراق نادیده انگاشته شده است.

جلال درخشه و محمد مهدی ملکی (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای با عنوان «موانع داخلی دموکراتیزه‌شدن عراق پس از سقوط صدام حسین»، موانع تحقق دموکراسی در عراق را موانع داخلی و خارجی بر می‌شمارند و اینکه تنها به بررسی موانع داخلی شامل ساختار و بافت چند وجهی عراق و عدم پایبندی و تفسیر به‌رای هر یک از گروه‌ها و جریانات داخل عراق به قانون اساسی پرداخته نشان از کاستی مقاله و نادیده گرفتن امر مهم عوامل خارجی در وضعیت دموکراسی در عراق می‌باشد. هرچند از دیدگاه خارجی سیاستگذاری‌های کشورهای منطقه‌ای و بین‌المللی را به‌عنوان چالش‌های دورران گذار نام می‌برند.

دیوید رومانو و محمد گورسس (۲۰۱۴)، در کتاب مجموعه مقالات «منازعه، دموکراتیزاسیون و کردها در خاورمیانه: ترکیه، ایران، عراق و سوریه» ترجمه آزاد حاجی آقایی، بیان می‌دارند، در مسیر طولانی دموکراتیزاسیون، کردها به عنوان بزرگترین گروه قومی در خاورمیانه، می‌توانند نقش حیاتی را در ایجاد و ثبات دموکراسی‌ها ایفا نمایند. از نکات کاستی در مقالات کتاب آن است که در فضای خوشبینانه و نسبتاً با ثبات‌تر خاورمیانه، قبل از ظهور داعش در سال ۲۰۱۴ تألیف، و برخی از پیش‌بینی‌های آن تاکنون برخلاف امر واقع نمایان شده است.

مجتبی مقصودی و مجید خورشیدی (۲۰۱۱) در مقاله‌ای تحت عنوان « Solutions out of the Crisis of Democracy in the Middle East » این دیدگاه را بیان می‌دارند که موضوع به‌غایت پیچیده تر از خود مفهوم دموکراسی، تصویری است که از آن وجود دارد. از دید آنها، وجود کشورهایی با ساختار دموکراتیک در جهان که گاهی اوقات دارای یک سیستم اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی پیشرفته هستند، اغلب به جذابیت دموکراسی در جهان افزوده است. اما از آنجا که خاورمیانه از داشتن چنین مواهبی مغفول مانده طرح مسائل نشان از کالبدشکافی دقیق نویسندگان بر شناخت و بررسی راهکارهای چندگانه عقاید، ارزش‌ها و حمایت از اقدامات دموکراتیک در خاورمیانه است. ایاد علاوی (۲۰۰۵) از رهبران شناخته‌شده‌ی عراقی در مقاله‌ای تحت عنوان « The Democratization Process in Iraq » با آگاهی جامعی که از تحولات عراق دارد و تجربه‌ی زیسته‌اش از این کشور،

بر این نظر است که دهه‌ها استبداد، جنگ و ستم باعث شده است که جامعه عراق تقسیم شده، فاقد ابتکار عمل و در برابر مشکلات مختلف آسیب پذیر باشد. هویت ملی در آن محلی از اعراب نداشته و دموکراسی نیز رویایی بیش نباشد. از نقطه قوت مقاله ارائه پیشنهادهایی در مورد چگونگی غلبه بر بحران‌های آن کشور شامل حوزه‌های اقتصادی، عمران و سیاست خارجی در کنار بازسازی هویت ملی در آینده عراق می‌باشد.

محیط‌شناسی پژوهش

تاریخ عراق سرشار از تحولاتی است که نه تنها وضعیت جغرافیایی و سیاسی آن را تحت تاثیر قرار داده است، بلکه باعث تحولات عمیق فرهنگی و اجتماعی نیز در این سرزمین به غایت کهن شده است. تجربه‌ی کودتاهای پیاپی در عراق خصوصاً پس از برافتادن نظام پادشاهی، دست‌به‌دست شدن سریع قدرت میان دیکتاتورها، غلبه‌ی نظامیان در دوره‌های مختلف بر قدرت، جنگ خونین میان جریان‌های قومی - مذهبی به واسطه‌ی تحریکات داخلی، بازیگران فراملی و فراملی، که سرآمد آن جنگ‌های یک قرن گذشته میان کردها و دولت مرکزی عراق بود و نیز تنش میان سنی‌های اقلیت حاکم و شیعیان اکثریت محکوم در دوران‌های مختلف، خصوصاً در زمان حزب بعث، نمودهای عینی و واقعی از این تحولات هستند.



نقشه ۱. نقشه‌ی سیاسی عراق

Source: https://www.nationsonline.org/oneWorld/map/iraq_map.htm

عراق در بیشتر تاریخ خود، جزئی از خاک همسایگان خود بوده است که میراث‌های فرهنگی، مذهبی و قومی بی نظیری از خود به جای گذاشته‌اند. ترک‌های عثمانی اهل سنت و ایرانیان شیعه صفوی به خلق و برپایی جوامع مدرن سنی و شیعه در این کشور کمک کردند، در حالی که کویر غربی کم جمعیت، ساکنانش هم‌چنان روابط قبیله‌ای و فرقه‌ای با عربستان سعودی، اردن و سوریه دارند. در ارتفاعات شمالی عراق، کردهای بومی این مناطق توانسته‌اند

هویت منسجمی را در طول قرن‌ها سلطه بیگانه‌ها حفظ کنند. این انزوا گه‌گاهی موجبات انزوا گرایی کردها را فراهم می‌آورد. اقلیم کردستان عراق عمدتاً کوهستانی است و بالاترین نقطه‌ی آن از سطح دریا ۳،۶۱۱ متر ارتفاع دارد. رشته کوه‌های کردستان عراق شامل کوه‌های زاگرس، کوه سنجار، کوه حمیرین و قندیل است. (Stratfor Worldview, 2015).

به شکل انضمامی مادامی که از اقلیم کردستان عراق سخن گفته می‌شود، منظور شمال عراق است که در سال ۱۹۲۵ در توافق میان ترکیه و بریتانیا به عراق پیوست شد. گستره‌ی سرزمینی اقلیم کردستان عراق ۸۰ هزار کیلومتر مربع است و نزدیک به ۱۸ درصد کل سرزمین عراق را شامل می‌شود. البته این خود شامل مناطق مورد مناقشه در اصل ۱۴۰ قانون اساسی بعد از ۲۰۰۳ نیز می‌شود که بدون آن تنها ۴۲ هزار کیلومتر مربع است. اقلیم شامل ۲۳ شهر و ۴ استان یعنی دهوک، اربیل، سلیمانیه و حلبچه می‌شود (گوران، ۲۰۰۲: ۲۹-۳۲). البته حلبچه چندان در ادبیات سیاسی و اجتماعی کردهای اقلیم به‌عنوان یک استان با وزن و اهمیت دیگر استان‌ها نگریسته نمی‌شود. در ذیل نقشه‌ی سیاسی اقلیم قابل مشاهده است:



Map of Iraq with areas of control before the Kirkuk campaign. Photo credit: Maximilian Dörrbecker

نقشه ۲. نقشه‌ی عراق با تمرکز بر مناطق تحت کنترل اقلیم کردستان و مناطق مورد مناقشه در اصل ۱۴۰ قانون اساسی

در نقشه‌ی فوق استان‌های اقلیم کردستان عراق، به‌همراه مناطق مورد مناقشه در اصل ۱۴۰ قانون اساسی که بر سر اداری آن‌ها به شکل مشترک میان بغداد و اربیل اختلاف وجود دارد، آمده است.

زمینه‌ها و چالش‌های فرهنگی - اجتماعی

- مشکلات اقلیت‌ها

عراق کشوری است با تنوعی شگرف از اقلیت‌های قومی و فرهنگی، که آن را به یک موزاییک فرهنگی بدل کرده است. با سقوط صدام حسین در سال ۲۰۰۳، اقلیت‌ها که از بند نظام سرکوب رسته بودند، در فقدان اقتدار مرکزی و خلاء قدرت تشدید شد (USCIRF, 2015: 95). حس به‌حاشیه‌رانی و نیز عدم مشارکت در تسهیم قدرت باعث شد تا بخش‌هایی از سنی‌ها مسیری را در پیش گیرند که به برخورد با نیروهای امنیتی و نیز نیروهای آمریکایی منجر شد. دیگر مشکل اقلیت‌ها در عراق و نیز اقلیم کردستان که به چالشی برای تحقق دموکراسی بدل شده، بر سخت‌شدن وضعیت اجتماعی و زیستی برای اقلیت‌های کوچک و اجبار آنها به آوارگی و فرار از کشور قابل برگردان است. تخمین زده می‌شود که تا نیمه‌ی ۲۰۱۱، به‌واسطه‌ی درگیری‌های داخلی ۷۰ درصد از ۷ اقلیت اصلی (غیر از کردها، شیعیان و سنی‌ها) به خارج از عراق کوچ کرده باشند، که این خود به قطبی‌شدن کشور میان سنی‌ها و شیعیان و کردها و اعراب منجر شده است (Cordesman, 2015: 10). در نتیجه، بحران انسانی و بی‌ثباتی در عراق به میزان نامتناسبی بر آسیب‌پذیرترین مردم عراق تأثیر گذاشته است. خشونت‌های فرقه‌ای منجر به کشتار مردم که اقلیت‌ها پای ثابت آن هستند، دیگر مشکل آنها در عراق و اقلیم است (اسپوزیتو، ۱۳۹۶: ۱۴۴). اقلیت‌ها در عراق، خود را بخشی از دموکراسی شکننده نمی‌دانستند و احساس می‌کردند از روندهای دموکراتیک بیرون گذاشته شده‌اند. پیامد این خشونت‌ها بر مردم عرب و کرد و خصوصاً اقلیت‌های عراق و اقلیم در جدول ذیل مشخص است:

جدول ۱. آمار کشته‌های ناشی از خشونت در عراق از ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۹

سال	کشته‌شدگان	زنیان	کودکان	مردان	ناگفته‌ها	مفقودان	سنگ‌ساز	سخت‌گیر	کشته‌شدگان غیر نظامی	کشته‌شدگان نظامی	کشته‌شدگان امنیتی	کشته‌شدگان حقوقی	کشته‌شدگان اقتصادی	کشته‌شدگان اجتماعی	کشته‌شدگان فرهنگی	کشته‌شدگان سیاسی
۲۰۰۳	۳															
۲۰۰۴	۶۱۰															
۲۰۰۵	۲۲۲۱۲۹۷															
۲۰۰۶	۱۵۴۶۱۵۷۷۱۹۵۷۱۸۰															
۲۰۰۷	۱۷۲۶۷۹۲۷۲۶۲۵۲۸۵۴۲۱۹۹۳۶۹۲۴۸۱۱۳۸۷۱۳۲۴۱۱۲۴															
۲۰۰۸	۸۵۸۱۰۹۴۱۶۶۷۱۳۱۵															
۲۰۰۹	۳۷۲															
۲۰۱۰	۲۶۷															
۲۰۱۱	۳۸۹															
۲۰۱۲	۵۳۱															
۲۰۱۳	۳۵۷															
۲۰۱۴	۱۰۹۶															
۲۰۱۵	۴۴۹۱۶۱۲۱۱۲۱۱۹۹۰															
۲۰۱۶	۱۳۷۴۱۲۵۸۱۴۵۹۱۱۹۲۱۲۷۶۱۴۰															
۲۰۱۷	۱۱۹															
۲۰۱۸	۴۷۴															
۲۰۱۹	۳۲۳															

Source: <https://www.iraqbodycount.org/database/>

اگرچه شورای اقلیت‌های عراق^۱ در سال ۲۰۱۰ گزارشی را منتشر کرد که اظهار می‌داشت «اقلیت‌ها در شهرهای کردنشین بیشتر از سایر کشورها از امنیت و آزادی عبادت برخوردار هستند» (Taneja, 2011: 11) با این وجود اقلیم و بغداد در تشدید مشکلات اقلیت‌ها در مناطق منازعه نقش زیادی دارند. اقلیت‌ها در این مناطق از دشواری و تبعیض در دسترسی به خدمات رنج می‌برند (په‌یمانگای ناشتی نهمریکی، ۲۹ جولای ۲۰۲۰). رهبران اقلیت‌های این منطقه می‌گویند که نه اقلیم کردستان و نه شورای نینوا بودجه خود را هزینه‌ی خدمات عمومی مناطق مورد اختلاف نمی‌کنند (Climis, Nov 2011). در کنار این، کمیسیون بین‌المللی ایالات متحده در آزادی اقلیت‌ها، نیز گزارش داده است که در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۱ تندروهای سنی مذهبی مغازه‌ها و محل ارائه‌ی خدمات اقلیت‌های مذهبی را که آنها را غیر اسلامی می‌دانند در اقلیم کردستان، بغداد و جنوب عراق مورد هدف قرار دادند. اگرچه در اقلیم برخلاف عراق که تهدید ساختاری علیه اقلیت‌ها وجود ندارد، اما تهدیدهای مشخص امنیتی، جانی و نیز دسترسی به منابع خدماتی جان آنها را در مناطق منازعه تهدید می‌کند.

در حوزه‌ی حکمرانی اقلیم کردستان، یزدا یک سازمان بین‌المللی ایزدی، گزارش می‌دهد ایزدی‌های ساکن اقلیم کردستان مادامی که هویت کردی خود را انکار کنند، تحت تبعیض قرار می‌گیرند (مه‌سیفی، ۱۰ مه ۲۰۲۰) و صرفاً آن دسته از ایزدی‌ها که خود را با هویت کردی معرفی کنند، می‌توانند پست‌های بالا در حکومت اقلیم به دست آورند. این مشکلات به بزرگ‌ترین مانع در مسیر دموکراتیزاسیون در عراق بدل شده و عاملی برای تهدید هم‌زیستی مسالمت‌آمیز اقلیت‌ها با گروه‌های اکثریت سنی در مناطق سنی‌نشین، شیعی در مناطق جنوب و نیز کردها در اقلیم شده است. در مجموع، مشکلات اقلیت‌ها در عراق غیر دموکراتیک که دچار چالش‌های عدیده‌ای در مسیر تحقق دموکراسی است به تهدیدی علیه امنیت و نیز زیست آنها بدل شده و این گروه‌ها را از احتمال سهیم‌بودن در تحولات سیاسی - اجتماعی عراق بر بستری دموکراتیک، ناامید کرده است.

- رادیکالیسم اسلامی

القاعده عراق

اولین ضربه به دموکراتیزاسیون عراق و اقلیم کردستان پس از ۲۰۰۳ از سوی القاعده وارد شد در سال ۲۰۰۴، سازمان توحید و جهاد که نیرویی اسلام‌گرا و رادیکال در عراق بود، به‌طور رسمی بعد از بیعت زرقاوی با بن‌لادن به القاعده تغییر نام داد و بعداً به القاعده‌ی عراق^۲ تغییر کرد. القاعده در عراق، شبکه‌ی حامیان و جنگجویان خود را در طی شورش‌های عراق تشکیل داد. در سال ۲۰۰۶، زرقاوی شمار محدودی از جناح‌های عراقی را با نام رهبری القاعده عراق، تحت عنوان مجلس شورای مجاهدین^۳ شکل داد (Friedland, 2015). در سال ۲۰۰۶، این گروه نام خود را به دولت اسلامی عراق^۴ تغییر داد و قصد خود را بر تسخیر سرزمینی عراق، به عنوان وسیله‌ای برای ایجاد دولت مبتنی بر شریعت متمرکز نمود. در سال ۲۰۰۷ نیز بخشی از نیروهای کرد حاضر در صفوف جنگجویان القاعده تحت نام

¹ Iraqi Minorities Council

² Qaeda in Iraq, or AQI

³ Majlis Shura al-Mujahedin (MSM).

⁴ Islamic State in Iraq (ISI)

"گردان کرد" در این نیرو اعلام وجود نموده که در مرزهای اقلیم و ایران ساکن بودند و مسئولیت چندین انفجار در عراق را نیز برعهده گرفتند (مالپه‌ری کوردپا، ۱۷ نوامبر ۲۰۱۱). رویکرد خشن القاعده برای اعمال قانون شریعت، موجب مقابله‌ی جماعات محلی علیه آن شد. با وجود این نیز، حاصل قدرت و غلبه‌ی این نیرو در عراق، کشتار، تنش و منازعه و نیز تضعیف دموکراتیزاسیون در این کشور بوده است. این گروه، یکی از مهم‌ترین دشمنان دموکراسی و نیز از مخالفان حضور آمریکا در منطقه و هم‌چنین هرگونه روند مدرنیزاسیون به سبک غربی است، لذا عراق را که با چالش‌های عدیده مواجه بود، به بستری برای تضعیف دموکراسی شکننده‌ی آن و تنش‌آفرینی و نیز مقابله با آمریکا دید.

داعش

دومین ضربه به دموکراتیزاسیون در عراق و اقلیم از سوی داعش وارد شد. در تداوم رادیکالیسم اسلامی در عراق، پس از القاعده، داعش به سازماندهی خود پرداخت (که‌تزن و هاوکاران، ۱۳۹۴: ۶۳). برخی منابع پیش‌بینی می‌کنند که اکثریت تصمیم‌گیرندگان داعش از اعضای سابق ارتش یا سرویس امنیتی صدام بودند. حضور افسران بلندپایه‌ی ارتش بعثی در رده‌های بالای داعش چرایی موفقیت‌های به‌دست‌آمده‌ی این گروه را در مقابله با ارتش عراق توضیح می‌دهد (Smith, 2015: 9-10). از اینکه چه تعداد از عراقی‌های سنی و کردها به داعش پیوسته‌اند آمار دقیقی در دست نیست. با این وجود، نهادهای رسمی و غیررسمی در آمارهای‌شان در مورد کردهای عضو داعش تخمین زده‌اند که حدود ۳۵۰ تا ۵۰۰ کرد در صف نیروهای داعش حضور داشته‌اند (سه‌باح ههورامی، ۱۰ ناپریل ۲۰۱۶). داعش با تهدید سنگال و محاصره‌ی این شهر توانست نیروهای وابسته به اقلیم و خصوصاً پیشمرگ‌های حزب دموکرات کردستان عراق به رهبری قاسم ششو را وادار به عقب‌نشینی نماید. نتیجه‌ی این امر نیز سقوط این شهر استراتژیک بود و پس از آن اربیل مورد تهدید مستقیم قرار گرفت. نیروهای داعش به بمباران بخش‌های پیرامونی اربیل به سمت نینوا پرداختند و تهدید خود را به سوی کردستان گسترش دادند (ئه‌لیاسی، ۲۰ گه‌لاویژی ۲۰۱۴). هرچند داعش با همکاری نیروهای حشد شعبی، پیشمرگ و ارتش عراق و به‌پشتوانه‌ی حمایت‌های ایران و نیز ائتلاف ضد داعش در سال ۲۰۱۸ شکست خورد و به یک نیروی بدون سرزمین بدل شد. این نیرو با تمام توان روح دموکراسی نابالغ عراق و اقلیم را نشانه گرفته و ضربات سنگینی نیز به آن وارد نمود. نتیجه‌ی آن نیز آسیب‌های جبران‌ناپذیر به اقلیت‌های به‌حاشیه‌رانده‌شده بود، که خود از اقلیت‌بودن در عراق و اقلیم آسیب بسیاری دیده بودند.

انصارالاسلام

انصارالاسلام یا انصارالسنه در کردستان عراق توسط اعضای سابق القاعده در سال ۲۰۰۱ به‌عنوان یک جنبش اسلام‌گرای سلفی تاسیس شد که به اعمال دستورات شرعی در روستاهایی که در اطراف بیاره (اورامان) در شمال شرقی حلبچه، در نزدیکی مرز ایران می‌پرداختند. انصارالاسلام در سپتامبر ۲۰۰۱ از ادغام جند الاسلام (سربازان اسلام) به رهبری ابوعبدالله الشافعی و یک گروه منشعب از جنبش اسلامی کردستان به رهبری ملا کریکار تشکیل شد. این گروه بعداً با القاعده بیعت کرد و گفته شده بودجه مستقیم از شبکه ترور دریافت کرده است (ده‌نگی

نامریکا، ۲۰۰۳/۱۱/۴). با تأسیس انصارالاسلام این نیرو علیه همه احزاب سیاسی سکولار در کردستان عراق اعلان جنگ داد، و در طول سال ۲۰۰۲، و خصوصاً حزب اتحادیه میهنی را مورد هدف مستقیم خود قرار داد (یه‌کیتی نیشتمانی کردستان، ۸ فیوریه ۲۰۱۹). روستائینی که تحت کنترل آنها بودند تحت قوانین شرعی سختی قرار گرفتند. آلات موسیقی از بین رفته و آواز ممنوع شد. تنها مدرسه دخترانه در این منطقه تخریب و تمام تصاویر زنان از برچسب کالاها برداشته شد. عبادتگاه‌های صوفیه مورد هتک حرمت قرار گرفت و اعضای کاکه‌ای (گروه مذهبی معروف به اهل حق) مجبور به اسلام آوردن یا فرار شدند.

انصارالاسلام پس از عقب‌نشینی نیروهای آمریکایی از عراق در سال ۲۰۱۱، با شرکت در شورش علیه دولت مرکزی عراق، هم‌چنان فعال بود. این گروه بعدها با تیپ‌های موسوم به لواء احفاد الرسول برای بمب‌گذاری در مناطق نظامی سوریه در دمشق در آگوست ۲۰۱۲ هماهنگ شدند. همچنین در نبرد حلب نقش داشت و با دیگر گروه‌های سلفی از جمله جبهه‌النصره، القاعدة و جبهه اسلامی هماهنگ شدند (Al-Tamimi, 11 May 2014). با دستگیری رهبری اصلی آن یعنی ملاکریکار در نروژ و تحویل او به ایتالیا که به حکم ۱۲ سال زندان برای او انجامید، توان سازمانی و تشکیلاتی آن تحلیل رفت و در داعش ادغام شد.

در مجموع، سه جریان مذکور القاعدة، داعش و انصارالاسلام مهم‌ترین جریان‌های اصلی یا کلان‌گفتمان‌های رادیکال بودند که توانستند به تضعیف روندهای دموکراتیزاسیون در اقلیم و عراق اقدام نمایند و قطار دموکراسی را به شکل جدی گاهاً از مسیر حرکتش بازدارند، یا حرکت آن را به‌طور کلی کاهش دهند.

- نظام دادرسی و قضایی غیرعادلانه

از منظر اصول و سازوکارهای قانونی مرتبط با قوه قضائیه در عراق، این نهاد به شکل دموکراتیک طراحی و تدوین شده است. اما روندهای سیاسی - امنیتی، و نیز فرهنگی - تاریخی که بر مبنای عقل سنتی و عرف‌های غیردموکراتیک شکل گرفته و در جامعه عربی - کردی رسوخ است، امکان اعمال این قوانین را به شکل دموکراتیک با مشکل مواجه می‌کند. امری که می‌تواند به‌عنوان چالش جدی دموکراتیزاسیون در عراق و اقلیم در نظر آورده شود. در این نظام قضایی، شورای عالی قضایی امور دادگستری فدرال را مدیریت و نظارت می‌کند. بر مبنای ماده ۹۱ قانون اساسی، این نهاد بر امور کمیته‌های مختلف قضایی نظارت می‌کند. بر اساس ماده ۹۰ نیز، رئیس دادگستری و اعضای دادگاه صلاحیت، رئیس را معرفی می‌کنند. در این نهاد قضایی دیوان عالی کشور یک نهاد قضایی مستقل است که قانون اساسی را تفسیر می‌کند (ده‌ستوری کوماری عراقی، ۲۰۱۸/۲/۱۳). البته به‌دنبال جنگ اول خلیج فارس، سه استان کردستان که تحت حمایت جامعه جهانی قرار گرفتند، از نظر سیستم قضایی نیمه مستقل از دولت مرکزی هستند. کردستان دادگاه فرجام‌خواهی و دادگاه استیناف یا تجدید جداگانه دارد.

با این حال در فضای عراق و اقلیم سیستم قضایی نمی‌تواند استقلال خود را حفظ کند، زیرا این مقامات سیاسی و رهبران این کشور هستند که فرافقونی له یا علیه شهروندان اعمال نظر می‌کنند. دیده‌بان حقوق بشر در گزارش جهانی ۲۰۱۳، اعلام کرد که رهبران عرب و کرد در فضای خشونت زده، بدون ترس از نظام قضایی، نیروهای

امنیتی‌شان خودسرانه دستگیری‌های گسترده‌ای را انجام داده و زندانیان را شکنجه می‌کردند (HRW, 31 January 2013). در گزارش سال ۲۰۱۹ این نهاد حقوق بشری آمده است «مطالعه‌ی دقیق تصمیمات دادگاه تجدیدنظر در پرونده‌های مربوط به تروریسم در عراق و اقلیم تا سال ۲۰۱۹ نشان می‌دهد که قضات نزدیک به دوازده پرونده در یک دوره ۱۸ ماهه را که ادعاهای شکنجه از سوی افراد علیه نیروهای امنیتی وارد بوده را نادیده گرفته‌اند (HRW, September 25, 2019). بنابر گزارشی دیگر از این نهاد، دولت عراق پس از اعلام پیروزی بر داعش در اواخر سال ۲۰۱۷ میلادی به تعقیب فراقانونی مردان، زنان و کودکانی پرداخت که متهم به همکاری با داعش بوده‌اند (یورونیوز، ۷ می ۲۰۱۹). این گزارش‌ها همگی نمودی از عدم رعایت عدالت قضایی، فراقانونی‌گرایی، عدم توجه به پروسه‌های قانونی جهت طی مسیر دادرسی عادلانه و نیز بهره‌گیری افسارگسیخته از شکنجه و اعتراف‌گیری اجباری علیه متهمین است.

در اقلیم کردستان حزب دموکرات کردستان و حزب اتحادیه‌ی میهنی کردستان به تدریج قدرت خود را در کل دادگستری گسترش دادند تا جایی که تقریباً همه قضات به یکی از دو حزب عمده وابسته‌اند. به‌علاوه، طبق قانون قوه قضاییه، رئیس شورای دادگستری منصبی برابر با وزرا را در اختیار دارد، به این معنی که قوه قضاییه قدرت برابر قوه مقننه یا قوه مجریه نیست. در نوامبر ۲۰۱۸، قاضی لطیف شیخ مصطفی نسبت به مداخله دو حزب اصلی سیاسی منطقه در نظام قضایی به‌عنوان یک نهاد مستقل معترض بود و استعفا داد (Chomani, January 1, 2019). لذا در اقلیم، سیستم قضایی عملاً بخشی از دستگاه حزبی است که از تمایلات و مطالبات دو حزب از این دستگاه پیروی می‌کند.

در مجموع مشکلات نهاد قضایی در عراق و اقلیم به حدی گسترده و فراگیر است که گاه‌ها هرگونه امید به اصلاح آنها با ناامیدی قضات و نهادهای مدنی همراه شده و زمینه را برای شکست این اصلاحات در بستر نفوذ سیاسی در آنها فراهم می‌نماید. فساد قضایی، وجود سیستم رشوه‌ی گسترده در اقلیم و عراق، نفوذ سیاسی - حزبی بر این نظام، خروج از دایره‌ی عدالت قضایی و شکستن کرامت و استقلال قضات از مهم‌ترین مشکلات این نهاد در عراق و اقلیم است. لذا، در یک نظام قضایی با رویه‌هایی از فساد و نیز رواج روندهای غیرعادلانه، انتظار تحقق دموکراسی بر مبنای حاکمیت قانون چندان واقعی به‌نظر نمی‌رسد. در نتیجه، در عراق و اقلیم، روندهای فراقانونی‌گرایی، سیاست‌های حزبی و اشخاص فراقانونی عامل تضعیف دموکراسی و عدم تحقق دموکراتیزاسیون در بخش قضایی هستند.

- اقتدارگرایی طایفه‌ای - قبیله‌ای

. اقتدار طایفه، صلح عشایری و نیز رسوخ نظام سنتی قبیله‌ای در عراق و اقلیم، از مهم‌ترین عوامل و موانع تحقق دموکراسی در عراق و اقلیم است. یک استدلال قانع‌کننده برای ارزش طوایف و عشیره‌ها در عراق و اقلیم کردستان برای دولت، مسیرهایی است که از طریق آنها می‌توان ارزش‌ها و ساختارهای عشیره‌ای را به خدمت دولت درآورد

(Kennedy, 2015: 11). فالح ابو جبار^۱، جامعه‌شناس عراقی، استدلال می‌کند که می‌توان سه نوع قبیله یا عشیره تابع دولت را مشاهده کرد: در "طوایف دولت‌گرا"^۲، بیعت طایفه‌ای با انعکاس ارزش‌های آن در دولت به‌دست می‌آید. در "طوایف اجتماعی"^۳، دولت از طریق حقوق قضایی و مالیاتی، درجه‌ای از اختیارات را به آنها اعطا کرده است. دیگر نظام طایفه‌ای یا عشیره‌ای "نظامی - ایدئولوژیک"^۴ است. این نوع قبیله به جای شرکت در دولت، به‌طور مستقل در امتداد خطوط قبیله‌ای برای مقابله با تهدید خارجی که حتی می‌تواند خود دولت باشد، بسیج می‌شود. یاف می‌گوید کردهای عراق و شیعیان در دهه ۱۹۹۰ در این راستا بسیج شدند. که پس از ۲۰۰۳، با تداوم این وضعیت از سوی کردها و برخی گروه‌های شیعی، سنی‌ها نیز در این مناسبات طایفه‌ای قرار گرفته‌اند (Abu Jabar, 14 October 1999). این سه مدل طوایف در چارچوب تحولات پس از ۲۰۰۳ نیز کارکرد خود را حفظ نموده و اقتدار خود را بازتولید کرده‌اند.

طبق تحقیقات و برآوردهای موجود، ۹۱ عشیره و طایفه‌ی کرد در عراق و اقلیم وجود دارد (گردی، ۲۰۰۶: ۱۵-۲۳). در عراق یا مناطق غیر از اقلیم نیز بسیاری از اعراب عراقی می‌توانند اصل و نسب خود را به یکی از ۹ کنفدراسیون طایفه‌ای که در عراق قبل از قرن ۱۷ ایجاد شده است، بازگردانند (Otterman, February 2, 2005). این طوایف و عشیره‌ها قدرت نفوذ خاصی، گاه‌ها در سطح منطقه‌ای که در آن می‌زیند و در سطح یک حکومت دارند. برای مثال نفوذ بارزانی‌ها، طالبانی‌ها و شیخ‌جنگی‌ها در اقلیم به یک منطقه‌ای طایفه‌ای محدود نیست و خود را در چارچوب نظام دولت بازتولید کرده‌اند.

اساس سیستم طایفه‌ای کردها مجموعه‌ای از نهادهای اجتماعی و سیاسی سلسله‌مراتبی مستقل است که بر اساس روابط خویشاوندی واقعی یا خیالی شکل گرفته است (Kennedy, 2015: 27). در این میان، حزبی که بیشتر اوقات اتهام طایفه‌گرایی در آن مطرح می‌شود حزب دموکرات کردستان است. زیرا حزب دموکرات کردستان به‌طور کلی از محافظه‌کارترین احزاب کرد است و غالباً توسط خاندان بارزانی که دارای میراث عشیره‌ای طولانی به‌عنوان شیوخ بارزان هستند، ریاست و اداره می‌شود. این حلقه‌ی وابسته از نزدیکان یک خاندان در قدرت، بر مبنای نوع سوم طایفه یا مدل ایدئولوژیک - نظامی قابل خوانش است که توانسته هم به تولید ایدئولوژی بپردازد و هم قدرت نظامی را شکل دهد.

در سلیمانیه نیز خانواده طالبانی حضور چشمگیری در رده‌های بالای اتحادیه میهنی کردستان و جامعه کرد دارند که به‌نظر می‌رسد حلقه‌ی ازدواج جلال طالبانی با هیرو ابراهیم احمد مسبب امر باشد، چنانچه تعدادی از شخصیت‌های اصلی حزب از نزدیکان وی هستند (KurdMedia, January 10, 2007). با وجود این که اتحادیه‌ی میهنی مخالف روندهای سنتی طایفه‌ای است، اما چنان که شاهدیم همه‌ی نیروهای اصلی قدرت در این حزب نیز به حلقه‌ی خانواده‌ی طالبانی وابسته هستند. این دو خاندان در چارچوب طوایف نظامی - ایدئولوژیک اکنون دولت را در اقلیم

¹. Faleh Abu Jabar

². statist tribes

³. social tribes

⁴. military-ideological

کردستان شکل می‌دهند. طوایف روندهای دموکراتیک را که بر مبنای حاکمیت قانون در جامعه، نقش محوری دولت در تحقق امنیت، عدم اعمال نفوذ رهبران قبیله‌ای در امور عالی سیاسی - امنیتی است، تضعیف نموده و مسیر را از عقلانیت دموکراتیک مدرن به سوی عقلانیت سنتی با محوریت شیوخ و رهبران قبایل سوق می‌دهد. این امور عامل اصلی چالش‌ساز در مسیر دموکراتیزاسیون در عراق و اقلیم کردستان است.

زمینه‌ها و چالش‌های اقتصادی

۱- توسعه اقتصادی نامتوازن

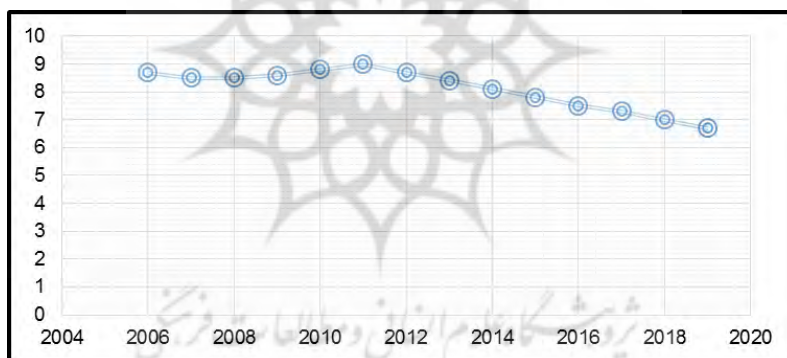
جامعه‌ی دموکراتیک، جامعه‌ای با توسعه‌ی اقتصادی متوازن بر مبنای برخوردارگی همه‌ی احاد جامعه از توسعه‌ی اقتصادی و ثروت و رفاه است. توسعه‌ی اقتصادی نامتوازن در یک کشور به معنای نابرابری در توسعه‌ی اقتصادی و بخش‌های مختلف آن و میان گروه‌ها و جناح‌ها و مناطق گوناگون در یک کشور است. بدین معنی که جهت‌گیری دولت به یک جناح یا جریان قومی و مذهبی یا گروه خاص یا حزب خاص، موجبات بهره‌مندی و توسعه‌ی اقتصادی آن‌ها و عدم بهره‌مندی و توسعه‌ی دیگران می‌شود. مولفه‌های شکل‌دهنده به این شاخصه عبارت‌اند از شاخص جینی، سهم درآمد ۱۰ درصد بالاترین، سهم درآمد ۱۰ درصد پایین‌ترین، پراکندگی خدمات روستای در مقابل شهری، دسترسی به خدمات پیشرفته و جمعیت زاغه‌نشین است (ملهم از FFP, 2015).

علی‌رغم تلاش‌های ائتلاف موقت برای نوسازی اقتصاد عراق پس از حمله سال ۲۰۰۳ به رهبری ایالات متحده از طریق خصوصی‌سازی و کاهش بدهی خارجی، اقتصاد این کشور به دلیل ادامه خشونت‌ها، سوء مدیریت اقتصادی و کمبود فن‌آوری در حوزه نفت، همچنان رو به زوال است. این وضعیت باعث شده که عراق در یک وضعیت شکننده قرار گرفته و با بحران مالی سختی روبرو باشد که علاوه بر موارد پیشین با مشکلات ناشی از سقوط قیمت‌های بین‌المللی نفت و پیامد آن آشفتگی مداوم سیاسی و اجتماعی همراه بوده است. این وضعیت با گسترش سریع کروناویروس، که سیستم مراقبت‌های بهداشتی کشور دارای ظرفیت مالی محدود برای مهار و مدیریت می‌باشد را گرفتار کرده است (World Bank, May 01, 2020). این مشکلات اکنون نظام اقتصادی نامتوازن عراق را در ورطه‌ی فروپاشی کامل قرار داده است. تا حدوی که دولت قادر به تقبل هزینه‌های جاری خود و نیز نیروهای کادر دولتی در ادارات نیست.

منطقه کردستان نیز که وضعیت مناسبی تا پیش از ۲۰۱۴ داشت، در سال ۲۰۱۵ دچار بحران اقتصادی شد. علی‌رغم افزایش تولید قابل توجه، درآمد نفت از سال ۲۰۱۴ به دلیل پایین آمدن قیمت نفت، اختلافات با دولت مرکزی و گسترش سریع دولت اسلامی، به میزان قابل توجهی کاهش یافته است. ۱۷ درصد بودجه دولت مرکزی برای توزیع به دولت اقلیم کردستان اختصاص یافته است، اما از فوریه ۲۰۱۴ بعضاً به دلیل اختلافات طرفین، هیچ بودجه‌ای پرداخت نشده است. این بحران در کنار مشکل دائمی در دسترسی به برق شهری ۲۴ ساعته و نیز مشکلات کم‌آبی در بخش شهری باعث اعتراضات داخلی شده است (Zaman, Jan 20, 2016). در کنار این کاهش رشد اقتصادی

پس از جنگ با داعش و نیز پدیدآیی و گسترش بیماری کرونا باعث تضعیف اقتصاد آن شد که با سقوط قیمت نفت، در بدترین روزهای کاهش توانایی اقتصادی خود قرار دارد.

حال با این مباحث به وضعیت توسعه‌ی نامتوازن اقتصادی عراق و اقلیم به شکل یک دولت یکپارچه در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۹ (آخرین سال ارائه‌ی شاخص بنیاد صلح) می‌پردازیم. این شاخص اگرچه نمی‌تواند به شکل کامل به عنوان یک نمونه‌ی همسان از توسعه‌ی اقتصادی نامتوازن به علت عدم یکپارچگی اقتصادی میان دو طرف در نظر گرفته شود، اما هم‌چنان در فهم این شاخص بسیار ضروری و راه‌گشاست. با عنایت به الگوی بنیاد صلح، امتیاز دهی به هر پارامتر بر اساس عدد ۰ تا ۱۰ است، بدین معنا که هر چه کشوری در وضعیت توسعه‌ی اقتصادی نامتوازن به صفر نزدیک‌تر باشد، نشان از توسعه‌ی اقتصادی متوازن داشته و یک اقتصاد پویا در داخل با بهره‌مندی تمام گروه‌ها و جناح‌ها و مناطق و نیز عدم اختلاف درآمدهای دهک‌های بالا و پایین را نشان می‌دهد. در مقابل هرچه امتیاز کشوری در این شاخص به ۱۰ نزدیک‌تر باشد، آن کشور از وضعیت توسعه‌ی اقتصادی نامتوازن شدید رنج می‌برد، اختلاف شدیدی میان درآمدهای بالا و پایین وجود دارد، تبعیض شدیدی میان خدمات شهری و روستایی و نیز دسترسی به خدمات مترقی در مناطق مختلف وجود دارد. حاصل این عدم توازن اقتصادی در عراق و اقلیم به شکل ذیل است:



نمودار ۱. وضعیت توسعه‌ی اقتصادی نامتوازن عراق ۲۰۰۶ - ۲۰۱۹

Source: FFP, 2006-2019

چنان‌که از نمودار بالا به دست می‌آید، کشور عراق از امتیاز ۰ تا ۱۰ که به معنای ثبات و ۱۰ به معنای شکنندگی بالا و وضعیت قرمز است. امتیاز عراق از ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۶ بدین شکل است: ۲۰۰۵ (۸/۷)، ۲۰۰۶ (۸/۷)، ۲۰۰۷ (۸/۵)، ۲۰۰۸ (۸/۵)، ۲۰۰۹ (۸/۶)، ۲۰۱۰ (۸/۸)، ۲۰۱۱ (۹)، ۲۰۱۲ (۸/۷)، ۲۰۱۳ (۸/۴)، ۲۰۱۴ (۸/۱)، ۲۰۱۵ (۷/۸) و ۲۰۱۶ (۷/۵). ۲۰۱۷ (۷/۳)، ۲۰۱۸ (۷) و ۲۰۱۹ (۶/۹) (ملهم از FFP, 2005-2019). با عنایت به این آمارها و نمودار، وضعیت توسعه‌ی اقتصادی عراق و اقلیم علی‌رغم رو به بهبود عدم توازن شدید رنج می‌برد که این خود یک چالش فراگیر برای تحقق دموکراسی است که به اعتراضات گسترده در عراق و اقلیم علیه نظام سیاسی انجامیده است. آمارهای فوق در ابعاد مختلف اقتصادی با تمرکز بر وضعیت درآمدهای شهروندان اقلیم و عراق، وضعیت فقر و سطح سواد آنها، وضعیت دسترسی به منابع آب و نیز توسعه‌ی نامتوازن اقتصادی عراق و اقلیم، به معنای چالش در

مسیر تحقق دموکراسی در ابعاد اقتصادی است. دموکراتیزاسیون در جامعه‌ی اقلیم و عراق به یک توسعه‌ی اقتصادی باثبات بر مبنای بهره‌مندی یکسان همگان از منابع دارد، که در عراق و اقلیم پس از ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۹ تحقق نیافته است.

۲- رانتیریسیم

رانتیریسیم، نوعی نظام اقتصادی - سیاسی است که بخش عمده‌ای از درآمد اصلی خود را از رانت بیرونی به دست می‌آورد. رانتیریسیم در نقطه‌ی مقابل دموکراسی اقتصادی و برابری دسترسی به منابع و نیز ایجاد یک اقتصاد پویا بر مبنای مشارکت اقتصادی و نیز یک نظام مالیاتی مستحکم است. در ابتدا مفهوم دولت رانتی از مطالعه خاورمیانه مدرن شکل گرفت و رشد کرد (Mahdavy, 1970: 531). بیلاوی و لوسیانی در کتابی با عنوان دولت رانتیر، دولت رانتیر را این‌گونه معرفی کرده‌اند: «هر دولتی که بیش از ۴۲ درصد از کل درآمد خود را از طریق صدور یک ماده‌ی خام به دست آورد، دولت رانتیر می‌باشد» (امام جمعه‌زاده و معصومی، ۱۳۸۹: ۳۵). اما این چارچوب در وضعیت عراق به چه صورت است.

به دلیل ماهیت نسبتاً غیرمتنوع اقتصاد عراق، کل کشور (از جمله اقلیم کردستان) به واردات کالاهای متنوع و صادرات یک کالای خاص و خام چون نفت وابسته است. تفاوت چشمگیری بین تقاضا و تولید کالاهای داخلی قابل تجارت در اقلیم کردستان وجود دارد. صادرات هیدروکربن‌ها حدود ۹۵ درصد از کل سبد صادراتی عراق را تشکیل می‌دهد (World Bank, 2015) که بر اساس تعریف بیلاوی و لوسیانی دو برابر میزانی است که یک دولت را به‌عنوان رانتیر معرفی می‌کند. از سوی دیگر، واردات حدود ۹۰ درصد از تولید ناخالص داخلی غیر نفتی را تشکیل می‌دهد. تولیدات محلی محدود به خرده‌فروشی، کالاهای کوچک و سایر خدمات است. صادرات کالاهای تولیدی داخل بسیار محدود است. این یک ویژگی معمولی در اقتصاد رانتی است. عدم سیاست گمرکی که بتواند از کارآفرینان محلی در رقابت با واردات حمایت کند، وضعیت را بدتر می‌کند. با توجه به وابستگی ۵۰ درصدی اقلیم به منابع مالی بغداد و نیز فروش ماهانه ۲۰۰ هزار بشکه نفت، باعث شده تا این منطقه نیز بیش از ۹۰ درصد به منابع نفتی برای تأمین درآمدهای خود وابسته باشد. امری که معاون نخست‌وزیر اقلیم کردستان آن را به عامل سستی و تنبلی اقتصادی برای اقلیم تعبیر می‌کند (ئین‌نارتی، ۲۲ مه ۲۰۱۹).

یکی دیگر از نکات مورد توجه ادبیات دولت رانتیر موضوع فراهم بودن زمینه بروز و ظهور مفاسد اداری و اقتصادی در دولت‌های متکی به درآمدهای حاصل از استخراج منابع طبیعی است (شریعتی، ۱۳۹۶: ۴۲). لذا، اقتصاددانان عراقی و اقلیم تأیید می‌کنند که اقتصاد عراق از عواقب بحران مالی، فساد مالی و اداری و مشکلات مربوط به همه بخش‌های کشور رنج می‌برد. بنابراین بخش نفت اولین و اصلی‌ترین منبع تولید ناخالص داخلی و تنها منبع توسعه بود (Khalil, August 6, 2018). از جنبه‌ی اقتصادی، تحریف ساختار جامعه و تبدیل دولت به مرکز سرمایه‌ای است که مانع خلاص شدن از ماهیت رانتی آن می‌شود. در نتیجه رانتیریسیم تنها یک مشکل اقتصادی در نوع کسب منابع درآمدی نیست، بلکه در پی خود بحران فساد، عدم شفافیت، مشکلات اقتصادی دیگر چون عدم تلاش برای توسعه‌ی منابع درآمدی و نیز عدم مسئولیت‌پذیری در قبال شهروندان برای ایجاد رفاه اقتصادی و نیز تأمین فضای

مناسب برای سرمایه‌گذاری متنوع را فراهم می‌آورد که این امر با روح فرایند دموکراتیزاسیون بیگانه است. نظام رانتیر به اقتصاد پویا، تولیدکننده و مبتنی بر مشارکت فعال بخش خصوصی باور ندارد که اساس یک اقتصاد لیبرال دموکرات است. در نظام اقتصادی رانتیر جامعه نگران مالیات‌دهی نیست و دولت نیز به این مالیات نیازی ندارد، لذا شکاف در پیوندهای متقابل دولت و جامعه باعث تضعیف روندهای لیبرال دموکراسی در آن می‌شود. این واقعیت درونی جامعه‌ی رانتیر اقلیم و عراق برای بیش از ۱۶ سال است.

زمینه‌ها و چالش‌های سیاسی - امنیتی

۱- نخبگان سیاسی جناحی

مادامی که از نخبگان جناحی سخن به میان می‌آید، منظور وضعیتی است که در آن زمینه‌ها و بسترهای لازم سیاسی - امنیتی، فرهنگی و اجتماعی برای ایجاد ساختارهای نخبگی ملی و یکپارچه فراهم نیامده است. نخبگان ملی تولیدکنندگان روح دموکراسی مشارکتی و تقویت‌کننده‌ی روح یک‌پارچگی ملی در جوامع هستند. در این ساختار چندپارگی نخبگان، تعلق‌های قومی - مذهبی آن‌ها و نیز تعلقات طایفه‌ای‌شان جای تعلق ملی را می‌گیرد (Cordesman and Khazai, 2014: 88). «در طی سال ۲۰۱۲، و اوایل ۲۰۱۳، جناح‌بندی‌های فرقه‌ای و نخبگان جناحی سیاسی رقیب به‌طور فزاینده بر سر قدرت، منابع مالی، سرزمین و کنترل سراسری بر عراق به مبارزه پرداختند. در می ۲۰۱۳، نهاد مطالعات جنگ گزارشی را ارائه داد که طبق آن نوری مالکی برنامه‌ی ملی‌گرایانه‌ی غیر فرقه‌ای مصوب ۲۰۰۸ را کنار گذاشته است و به‌طور سیستماتیک کادر ارشد سیاسیون ملی سنی را به حاشیه رانده است» (Ibid: 89). همین عامل باعث شد تا به دامنه‌ی شکاف در هویت ملی نخبگان افزوده شود، که با رفراندوم اقلیم برای جدایی از عراق به اوج خود رسید.

در همین راستا، در مصاحبه‌ی ۲۲ ژانویه ۲۰۱۶ رئیس اقلیم کردستان عراق با روزنامه‌ی گاردین، بارزانی از دیگر قدرت‌ها می‌خواهد «تا بر سر پیمانی جدید توافق کنند که راه را برای یک دولت کرد هموار می‌کند» (The Guardian, 2016/01/22). در وضعیت شکننده دموکراسی در عراق در مسیر ایجاد یک نهاد نخبگی ملی و فراگیر، باعث شده که کردها با دامن‌زدن به تمایلات منطقه‌ای و محلی خود، درصدد استفاده از بحران دولت در عراق برای برآوردن تمایلات خود به استقلال باشند.

بارزانی بر این باور بود، رفراندوم می‌تواند یک مشروعیت قانونی، همه‌پسند و بین‌المللی برای اعلام استقلال در آینده ایجاد نماید (Phillips, 2015: 14). اما در کنار این مطالبه، اقلیم کردستان عراق درگیر چندین منازعه‌ی داخلی است، که این نیز به شکاف نخبگان در اقلیم ارتباط دارد. بحران در سیستم سیاسی این منطقه (کوردنژاد، ۱۹ تاگست ۲۰۱۷)، از سویی با منازعه‌ی بر سر منصب ریاست اقلیم کردستان و از سویی دیگر، با موج جدید اعتراضات پرتنش و تحولاتی داخلی، در کنار درگیربودن نیروهای پیشمرگ کرد در نبرد با داعش، مرزهای داخلی اقلیم کردستان عراق، شاهد افزایش تنش‌های داخلی میان جریان‌های اصلی قدرت سیاسی و نیز بحران شدید مالی بود (سلیمی و

زرین‌نرگس، ۱۳۹۳). در نتیجه در اکتبر ۲۰۱۷ با وجود توفیق نتیجه‌ی اولیه‌ی آرای رفراندوم، اما به شکست‌های آتی انجامید که کرکوک و مناطق مناقشه را از چنگ کردها در آورد.

۲- مداخلات خارجی

بی‌گمان اگر در چارچوب بخش حاضر از مقاله به جعل یک عنوان برای دولت در عراق پرداخته شود، می‌تواند واقعیت و دامنه‌ی مداخلات خارجی در آن را به‌روشنی بیان نماید. این مفهوم را در چارچوب دولت بین‌المللی می‌توان بنا نهاد. بدین معنا که دولت در عراق بیش از آنکه محصول خواست و امیال ملی و درونی عراق باشد، محصول بده‌بستان بازیگران بین‌المللی حاضر در تحولات عراق است. دولت بین‌المللی از توانایی اعمال کنترل بر تصمیم‌های داخلی و خارجی خود با محدودیت از سوی دولت‌های مداخله‌گر مواجه است. در این دولت‌ها نیروهای مداخله‌گر به شکاف‌های درونی جامعه و نیز سیاست کشور دامن‌زده و به‌عامل تضعیف دموکراسی در دولت بین‌المللی بدل می‌شوند. مداخلات خارجی در دولت‌های بین‌المللی از ایجاد روح دموکراسی مشارکتی ممانعت به عمل آورده و قطار دموکراتیزاسیون را از مسیرش خارج می‌کند. دولت بین‌المللی از برقراری دموکراسی ناتوان است، چرا که کنترل ملی بر روندهای دموکراتیزاسیون ندارد و بیشتر چون ابزاری در دست مداخله‌گران خارجی نگریسته می‌شود این بازیگران طیف متنوعی را شامل می‌شوند و در این بخش از زمینه‌ها و چالش‌های دموکراسی در عراق به چند مورد از آنها به شکل کلی اشاره می‌شود.

ایران

دامنه و نفوذ ایران در عراق را نمی‌توان با هیچ بازیگر دیگری مقایسه کرد. پس از سقوط صدام حسین در ۲۰۰۳، ایران تلاش داشت تا از طریق همکاری با احزاب شیعه و گُرد (غالباً با اتحادیه میهنی کردستان، حزب تغییر و احزاب اسلامی)، در جهت ایجاد یک دولت تحت حاکمیت اکثریت شیعیان، بر سیاست‌های عراق اعمال نفوذ کند (Eisenstadt, 2015: 2). اما نفوذ و قدرت ایران در عراق به این امور محدود نشده و این کشور پس از ۲۰۰۳ به نیرومندترین بازیگر میدانی تحولات عراق بدل شده است. چنانچه سردار قاسم سلیمانی^۱، فرمانده پیشین نیروهای قدس، نقش کلیدی‌ای در مذاکرات برای تشکیل حکومت در ۲۰۰۵ بازی کرد و پس از آن این نقش را گسترش داد (Ibid: 3-4). در خصوص اقلیم نیز این نفوذ به اشکال مختلف وجود داشته و توسعه یافته است. چنان که عثمان گولپی، فعال و کارشناس کرد اقلیم می‌گوید: «اقلیم کردستان بیشتری مرز را با جمهوری اسلامی ایران دارد. هم‌چنان که ایران از منظر جغرافیایی و اقتصادی تأثیرات زیادی بر اقلیم دارد، از منظر سیاسی نیز نقش زیادی در اقلیم داراست» (مه‌لایی، ۲۳ تموز ۲۰۲۰). در همین راستا، ایران روابط گرمی با همه‌ی نیروهای سیاسی اقلیم در اربیل و سلیمانیه دارد و پیوندهای نزدیک به رهبران کرد نیز همواره حفظ شده است. اما پیوند ایران را رهبران منطقه سلیمانیه و خصوصاً حزب اتحادیه‌ی میهنی به شکل شگرفی روابط گرمی با ایران دارد (مه‌نمی، ۷ کانونی دووهم ۲۰۲۰).

^۱. Qasem Soleimani

اهرم نفوذ ایران بر عراق از نیمه‌ی ۲۰۱۴، در نتیجه‌ی همکاری نظامی ایران با حکومت عراق علیه داعش افزایش پیدا کرد (Katzman and Humud, 2015: 34- 35). این گروه‌های شبه‌نظامی شیعی تحت عنوان حشد شعبی، به‌نوعی تلاش ایران برای تکرار سناریوی حزب‌الله در لبنان را نشان می‌دهند. بنابراین، سیاست‌های تهران در عراق به‌طور چشم‌گیری موفقیت‌آمیز بوده است و به ایران سطحی غیرقابل‌بیشبینی از نفوذ را در این کشور داده است. اما مهم‌ترین اقدام جمهوری اسلامی در عراق پس از شکست سرزمینی داعش، حضور مستقیم در کنترل کرکوک و همراهی با حشد شعبی و ارتش عراق برای عقب‌راندن نیروهای کرد، در همراهی و توافق مخفیانه‌ی میان اتحادیه‌ی میهنی و سردار سلیمانی در آن زمان بود تا حدی که آن را به مهم‌ترین بازیگردان تحولات عراق بدل کرد (نوجه‌نیت، ۲۵ کانونی هه‌ول ۲۰۱۷). این شکست برای کردها بسیار سنگین بود و برای بغداد، ایران و حشد شعبی برگی برنده که نتیجه‌ی امر محدود کردن کردها، از دست‌رفتن ۵۱ درصد از سرزمین کردستان و کل مناطق منازعه ماده ۱۴۰ قانون اساسی و نیز نمایش قدرت ایران در تحولات عراق بود. این اقدام ایران اگرچه یک عمل سیاسی - امنیتی بر مبنای منافع ملی آن زمان کشور بود، اما نشانی از میزان نفوذ ایران بر دولت بین‌المللی عراق دارد و عاملی در تضعیف این کشور و نیز هم‌گرایی داخلی عراق دیده می‌شود. در فضای عراق، ایران مهم‌ترین نیروی موثر در تداوم حیاط دولت بین‌المللی است.

ترکیه

با مداخله‌ی ۲۰۰۳ به رهبری ایالات متحده آمریکا، شاهد بی‌ثباتی در مرزهای ترکیه با عراق به‌واسطه‌ی تمایلات ناسونالیستی روبه‌رشد کردها در شمال عراق بوده‌ایم. در نتیجه، مقامات در آنکارا احساس کردند که مرزها و شهروندان این کشور مورد تهدید واقع شده است. (Cagaptay and Evans, 2012: 3). در همین راستا، در طی دهه‌ی ۱۹۹۰، و ۲۰۰۰، و بار دیگر از ۲۰۱۵ به بعد تا ۲۰۲۰ نیز، ترکیه عملیات‌های برون‌مرزی گاه‌وبیگاه را علیه کمپ‌های پک‌ک در عراق انجام داده است (nrttv.com, 30/10/2016: 10031 and nrttv.com, 25, April 2016: 70146). این عملیات‌ها با حضور نظامی ترکیه در خاک عراق و اقلیم کردستان همراه بوده که در راستای مداخلات خارجی در دولت بین‌المللی و نظام سیاسی تضعیف‌شده و شکننده عراق قابل خوانش است. این بدان معناست که روندهای دموکراتیک در عراق با چالش مداخلات خارجی مواجه بود و این مداخلات مسیر دموکراتیزاسیون را در سطوح خرد و کلان در اقلیم و عراق با مشکل مواجه نموده و رهبران را از اعمال نفوذ بر سرنوشت ملی خود محدود کرده است. با این حال، مساله‌ی پک‌ک، ترکیه را از ایجاد یک رابطه‌ی عمل‌گرایانه و مثبت با حکومت اقلیم کردستان غافل نموده و باعث نشده تا ترکیه به یک سرمایه‌گذار خارجی بزرگ در شمال عراق بدل نشود. هرچند، اجازه‌ی ترکیه برای فروش نفت حکومت اقلیم کردستان از نیمه‌ی دوم سال ۲۰۱۵، از مسیر بندر جیهان ترکیه و بدون هماهنگی با بغداد به عنوان یک محرک منفی در روابط ترکیه - عراق قابل تفسیر است (Katzman and Humud, 2015: 36- 37). با شروع سال ۲۰۲۰ نیز ترکیه بر مبنای عملیات "پنجه پلنگ" به حملاتی گسترده علیه مواضع پک‌ک در مرزهای داخلی اقلیم و ترکیه اقدام نموده و تا عمق ۱۵ الی ۴۰ کیلومتری

وارد خاک اقلیم شده است. در نتیجه‌ی این عملیات‌ها ترکیه ده‌ها پایگاه و برج و کمپ عملیاتی در داخل اقلیم ایجاد کرده و مناطقی را به کنترل کامل خود درآورده است. این حجم از مداخله با حملات دائمی موشکی و نیز هوایی به مناطق کوهستانی و گاه‌ا‌ روستایی اقلیم جهت هدف قراردادن نیروهای پ.ک.ک تصویر نوین از مداخلات ترکیه در اقلیم دارد (ریبوار، ۱۶ حزیران ۲۰۲۰). ترکیه در خصوص این عملیات‌ها پاسخ‌گو نیز نیست. این امر به تنش‌های عمیق دیپلماتیک میان بغداد - آنکارا و نیز آنکارا - اربیل شده است، اما اربیل چندان هم از هدف قرار گرفتن پ.ک.ک که به مشکلی عمیق برای بسط نفوذ اربیل در مناطقی از اقلیم بدل شده، بی‌میل نیست. عدم احترام به قوانین بین‌المللی در رعایت مرزهای اقلیم و عراق، حضور نظامی نیروهای ترکیه در خاک اقلیم کردستان و نیز تنش‌سازی برای حکومت بغداد و اربیل عامل تضعیف روند دموکراسی عراق و نیز هم‌گرایی درونی در عرصه‌ی اجتماعی و سیاسی آن است. چرا که این کشور باعث شکاف‌های درونی میان رهبران سیاسی و حزبی اقلیم و عراق در حمایت و مخالفت با مداخلات نظامی ترکیه در اقلیم شده است. ترکیه هم‌چنین با حمایت از کردهای اربیل و دهوک که بارزانی‌ها هستند و نیز ترکمن‌ها و سنی‌های عراق، باعث تشدید شکاف نخبگان ملی و یک‌پارچگی درونی عراق شده و این باعث تضعیف دموکراسی عراق است.

عربستان سعودی

عربستان دیگر بازیگر کلیدی در تحولات عراق است، که البته به نسبت ایران و ترکیه در جایگاه نفوذ پایین‌ترین قرار دارد. در طی دوران اشغال نظامی عراق ریاض برای اجتناب از هرگونه پیچیدگی روابط با ایالات متحده از ورود به بحران عراق اجتناب کرد تا متهم به حضور شهروندانش در صفوف القاعده برای کشتار آمریکایی‌ها نشود. با ظهور داعش و تشدید بحران داخلی در عراق، شواهد حاکی است که ثروتمندان سعودی کمک‌های مالی خود را از این نیروی جهادی دریغ نکرده‌اند، که پیش از این شامل حال نیروهای القاعده می‌شد (عطوان، ۱۳۹۵: ۱۸۴-۱۸۶). پس از قدرت‌یابی حیدرالعبادی در سال ۲۰۱۴، روابط بین دو کشور گسترش یافت و آن‌ها روابط دیپلماتیک خود را در اواخر سال ۲۰۱۵ احیا کردند. عربستان در سال‌های اخیر متعهدشده که در بازسازی عراق با دولت این کشور همکاری کند.

عربستان سعودی در تلاش است تا روابط خود با اقلیم را در عراق گسترش دهد و این پیوند را نه در روابط با بغداد که به شکل مستقل پیگیری می‌کند. لذا، این کشور در تلاش است تا از زمینه‌ی اشتراک مذهبی کردها و عربستان به‌عنوان سکوی پیوند استفاده کند. این کشور همواره حملات ایران را به احزاب و یا پایگاه‌های آمریکایی حاضر در اقلیم کردستان محکوم کرده است (پیامی کورد، ۱۹ حزیران ۲۰۲۰). پادشاه عربستان سعودی نیز با مسعود بارزانی روابط نزدیکی دارد که به تقویت روابط اقلیم و عربستان کمک می‌کند. با این وجود نقش عربستان هنوز در اقلیم از جایگاه کلیدی و تعیین‌کننده‌ای برخوردار نیست. عربستان سعودی در تنش با ایران، عراق را به سمت روندهایی از ملی‌گرایی عربی در بخش‌های شیعه‌نشین و اسلام‌گرایی سلفی در مناطق سنی‌نشین تشویق می‌کند، که این امر باعث آسیب جدی به روندهای دموکراسی مشارکتی و نیز روح همگرایی داخلی عراق است. هم‌چنین، عربستان با روند

دموکراسی در اقلیم و عراق همراه نیست و بیشتر در پی تنش‌سازی درونی در میان نیروهای سیاسی عراق و اقلیم بر مبنای روح مداخله در دولت بین‌المللی عراق است. این تنش باعث شکاف در لایه‌های درونی عراق برای اعمال نفوذ یک‌پارچه‌ی ایران در عراق می‌شود.

ایالات متحده‌ی آمریکا

جرج بوش در ۶ می ۲۰۰۳، پل برومر^۱ را به مقام نماینده‌ی ریاست‌جمهوری در عراق منصوب کرد. پل برومر، مأمور تشکیل حاکمیت موقت ائتلاف^۲ شد که قرار بود به نهاد آمریکایی برای بازسازی عراق بدل شود. این نهاد با هدف گسترش دموکراسی در عراق وارد این کشور شد (Bensahel and others, 2008: 101- 105) اما در عمل به عامل اصلی ضددموکراسی بدل شد. در ماه نوامبر ۲۰۰۴، نیروهای ایالات متحده، شهر فلوجه در استان الانبار را مورد حملات شدیدی قرار دادند. این دومین حمله‌ی شدید آن‌ها بود که خبرگزاری‌ها با استناد به شواهدی متقن آن را از جمله جنایت‌های جنگی گزارش کردند (چامسکی، ۱۳۸۹: ۹۸ - ۹۹). در سوی دیگر، آمریکا به بهانه‌ی سرکوب نیروهای شورشی در استان‌های الانبار و نینوا، بارها زمینه را برای تحقیر، کشتار و زندانی‌کردن سنی‌های عراقی فراهم نمود که در این میان برخی از بزرگان و رهبران جامعه‌ی اقلیت سنی نیز هدف قرار گرفتند و همین عامل باعث زمینه‌یابی ظهور و گسترش القاعده در سال ۲۰۰۴ و داعش در سال ۲۰۱۴ در عراق گردید (Smith, 2015: 9). با این حال، در همان سال‌های پس از شکل‌گیری حاکمیت موقت ائتلاف، یکی از ستون‌های اصلی سیاست ایالات متحده، بازسازی، تجهیز و آموزش نیروهای امنیتی عراق بود که قادر به تأمین امنیت عراق باشند.

در آگوست ۲۰۱۴، یورش داعش به شمال عراق که ایزدی‌ها و دیگر اجتماعات اقلیت را هدف قرار داده بود، و آمریکایی‌ها را در اربیل تهدید می‌کرد منجر به حملات هوایی ایالات متحده به مواضع این نیرو شد. در همین ماه، دولت ایالات متحده اعلام نمود که می‌خواهد نیروهای پیشمرگ‌های کردستان عراق را به سلاح‌های سبک و مهمات تجهیز کرده و با ارسال مشاوران و مربیان نظامی درصدد تقویت نیروهای حکومت عراق برآید. بر اساس گزارش سرویس تحقیق کنگره،^۳ آمریکا تا فوریه ۲۰۱۵، حدود ۳۱۰۰ نیروی غیرجنگی نظامی در عراق به کار گرفت (USCIRF, 2015: 98) که تا سال ۲۰۲۰ به ۵۵۰۰ نفر رسید و قرار است تا آخر این سال به ۳۰۰۰ نفر کاهش یابد.

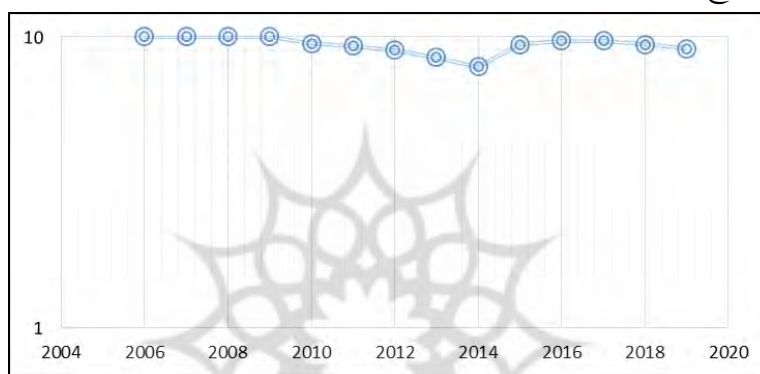
نیروهای آمریکایی و دولت این کشور در سال ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷، مشغول آموزش نیروهای عراقی و پیشمرگ‌های کرد و نیز حمایت از دولت عبادی برای مقابله با داعش بودند و به شکل ائتلاف ضد داعش و مشاور نظامی در عملیات موصل حضور داشتند. (اسپوزیتو، ۱۳۹۶: ۱۴۳). در سال‌های پس از ۲۰۱۸ با طرح لزوم خروج نیروهای آمریکایی از عراق، حملات شدیدی علیه پایگاه‌ها و سفارت‌خانه‌ی عراق تا به امروز صورت گرفته که منابع زیادی آن را از سوی حشدشعبی می‌دانند. این وضعیت باعث شد تا آمریکا در یک اقدام غیر سنجیده و بی‌برنامه دست به یک حمله‌ی تلافی‌جویانه علیه نیروهای وابسته به ایران بزند که به ترور سردار سلیمانی و ابومهدی مهندس در نزدیکی فرودگاه

1. L. Paul Bremer

2. Coalition Provisional Authority

3. Congressional Research Service

بغداد انجامید. این نیز به واکنش‌های تندی از سوی این نیروها منجر شد (رووداو، ۱ مارس ۲۰۲۰). اکنون در دولت جدید مصطفی الکاظمی آمریکا تهدید به بستن سفارت‌خانه‌ی خود در عراق نموده است. این کشور در تلاش است تا پیوندهای خود را با اقلیم که محل آرامی برای دیپلمات‌ها و نظامیان آمریکایی است گسترش دهد. آنچه برای آمریکا در مداخلاتش در عراق و اقلیم مهم است، مقابله با ایران است که تلاش می‌کند ابتدائاً بغداد را و پس از آن اقلیم کردستان را از ایران دور کند. این تلاش با هدف به‌انجام رساندن تحریم‌های واشنگتن علیه ایران پی می‌گیرد (کوردستان میدیا، ۲۸ آوریل ۲۰۲۰). البته آمریکا به‌خوبی می‌داند که سلیمانیه به محلی برای دوزدن بخشی از تحریم‌ها و نیز پول‌شویی برای ایران بدل شده است، اما اربیل و دهوک از نفوذ ایران تا حدودی دور مانده‌اند. وضعیت عراق در بنیاد صلح در خصوص این شاخص‌ها برای تکمیل بحث به صورت ذیل است:



نمودار ۲. وضعیت مداخلات خارجی در عراق و اقلیم از ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۹

Source: FFP, 2006-2019

بر اساس نمودار فوق عراق کشوری به‌شدت شکننده و در دست بحران مداخلات خارجی است. این مداخلات بستری را برای عراق پیش آورده که از ۲۰۰۶ تا به امروز هرگز وضعیتی بهتر از ۷/۹ که سال ۲۰۱۴ بوده نداشته است. پیش از غالباً امتیاز ۱۰ را کسب نموده که بدترین وضعیت مداخلات خارجی است و پس از آن نیز هرگز امتیازی بهتر از ۹/۱ نداشته است.

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

چالش‌های تحقق دموکراسی در عراق و اقلیم کردستان متأثر از مجموعه‌ای از عوامل و زمینه‌های فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی و سیاسی - امنیتی کوتاه مدت و بلند مدت رخ داده است. این چالش‌ها در سطوح کلان و خرد به سد محکمی در برابر دموکراتیزاسیون در این کشور از ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۹ بدل شده‌اند و هرگونه تحول روبه‌جلو در این کشور را منوط به حل این چالش‌ها و رفع آنها کرده‌اند. دموکراسی در محیطی که از منظر فرهنگی - اجتماعی به شدت آشوب‌زده است و اقلیت‌ها در آن، موضوع سرکوب دیگری‌های مختلف ملی و فروملی هستند، نمی‌تواند زمینه رشد یابد. رادیکالیسم اسلامی هم در عراق و کردستان محصول دوران پس از ۲۰۰۳ نیست، اما جنگ ۲۰۰۳ و خلأ قدرت در داخل فرصتی را به آن داد، که به رشد و نشوونما پردازد و این کشور را به صحنه‌ای پایا برای اسلام‌گرایان افراطی بدل کند. نظام قضائی عراق و اقلیم نیز مبتنی بر یک سری اصول قانونی تحت سیطره‌ی احزاب قرار دارد که رفتارهای فراقانونی جایی برای عدالت دادرسی نمی‌گذارد. هم‌چنین اقتدارگرایی طایفه‌ای در عراق که

ریشه‌ای طولانی دارد، پس از ۲۰۰۳ بازتولید شد و وجوه جدیدی به خود گرفته است. در بعد اقتصادی مادامی که یک دولت رانتیر و نظام مبتنی بر توسعه اقتصادی نامتوازن در عراق و اقلیم حاکم باشد، نمی‌توان انتظاری از تحقق دموکراسی داشت. این وضعیت به یک توسعه نامتوازن انجامیده که شهروندان را به خودی و غیر خودی برای حاکمیت بدل می‌کند. رانت‌دهی به افراد خودی و محروم کردن غیرخودی‌ها به شکل گسترده اقتصادی در اقلیم و عراق بدل شده است.

در نهایت نیز در محیط سیاسی - امنیتی عراق، جایی که نخبگان در آن تعهدی به هویت ملی ندارند، بلکه آن را نیز به نفع هویت‌های پیرامونی، فروملی، قومی - مذهبی خود به چالش می‌کشند، تحقق دموکراسی دور از انتظار به نظر می‌رسد. در این محیط سیاست‌زده، که اقلیت‌ها و نیز رهبران فروملی حضور دارند، بازیگران خارجی فضا را برای مداخله در امور عراق و اقلیم مناسب می‌بینند. این بازیگران با منافع و اهداف متضاد، دخالت خود را در راستای تقویت یک هویت قومی - مذهبی یا ایدئولوژی خاص، علیه دیگران تقویت نموده و نیز علیه دولت‌های دیگر نیز که در عراق و اقلیم نقش بازی می‌کنند، به مداخله می‌پردازند که نتیجه‌ی امر بین‌المللی شدن وضعیت شکننده دموکراسی می‌باشد.

منابع

- اسپوزیتو، جان (۱۳۹۶)، *آینده‌ی اسلام*، ترجمه مهدی امینی، تهران، نشر ثالث.
- امام جمعه‌زاده، سیدجواد و معصومی، سیدداود (بهار و تابستان ۱۳۸۹)، رانتیرسیم و تاثیر آن بر رابطه دولت و احزاب در ایران، *جستارهای سیاسی معاصر*، سال اول، شماره اول.
- چامسکی، نوام (۱۳۸۹)، *دولت‌های فرومانده*، ترجمه اکرم پدramنیا، تهران، نشر افق، چاپ دوم.
- سلیمی، آرمان و زرین‌نرگس، یحیی (۱۳۹۳)، *محورهای منازعه‌ی سیاسی و امنیتی حکومت اقلیم کردستان با حکومت مرکزی عراق در سال‌های بعد از ۲۰۰۳*، فصلنامه‌ی فرهنگی، ادبی، اجتماعی زیربار، دوره‌ی جدید ۳۲ و ۳۳، شماره‌ی ۸۵ و ۸۶.
- شریعتی، شهروز (پاییز ۱۳۹۶)، نقش مولفه‌های انسدادی ساختاری در روند همگرایی منطقه‌ای ایران و عراق، *فصلنامه دولت‌پژوهی*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال سوم، شماره ۱۱، پاییز ۱۳۹۱، صفحات ۵۱-۷۲.
- عطوان، عبدالباری (۱۳۹۵)، *تولد اهریمن: عوامل پیدایش دولت اسلامی عراق و شام*، ترجمه‌ی فاروق نجم‌الدین، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- قادری، حاتم (۱۳۸۷)، *اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم*، تهران انتشارات سمت.

- Abu Jabar, Faleh (199). **The Reconstruction and Deconstruction of Iraq's Tribes: Tribalism under Patrimonial Totalitarianism**. 1968-1998, unpublished paper.
- Al-Tamimi, Aymenn Jawad (11 May 2014). **Key Updates on Iraq's Sunni Insurgent Groups**. Brown Moses Blog. Retrieved 26 May 2014.
- Bensahel, Nora, Olga Oliker, Keith Crane, R. Richard Jr, and Heather S. Gregg (2008). **After Saddam: prewar planning and the occupation of Iraq**. Rand Corporation.
- Cagaptay, Soner and Evans, Tyler (2012). **Turkey's Changing Relations with Iraq: Kurdistan Up, Baghdad Down**. Policy Focus 122.
- Dahl, R. (2019). **On Democracy**, With a New Preface and Two New Chapters by Ian Shapiro, Yale University Press.
- Friedland, Elliot (2015). **The Islamic State**. Clarion Project. 501 (c) (3).

- Katzman, K., Blanchard, C. M., Humud, C. E., Margesson, R., Tiersky, A., & Weed, M. C. (2014, November). The Islamic State Crisis and US Policy. **Congressional Research Service** (Library of Congress).
- Knack, S. (2004-03-01). **Does Foreign Aid Promote Democracy?** *International Studies Quarterly*, 48 (1): 251–266.
- Levitsky, S. and Way, L. A. (2010). **Competitive Authoritarianism: Hybrid Regimes after the Cold War**, Cambridge University Press.
- Mahdavy, Hossein (1970). **The Patterns and Problems of Economic Development in Rentier States: The Case of Iran**, in M. A. Cook (ed.), *Studies in the Economic History of the Middle East*, London: Oxford University Press.
- Marsha, Pripstein Posusney and Michele, Penner Angrist (2005). **Authoritarianism in the Middle East: Regimes and Resistance**. Lynne Rienner Publishers, Inc., USA.
- Chomani, Kamal (January 1, 2019). **Judiciary in Kurdistan Region in Peril**. The Tahrir Institute for Middle East Policy. At: <https://timep.org/commentary/analysis/judiciary-in-kurdistan-region-in-peril/>
- Climis, Louis (November 2011). **MRG interview. Iraqi Minorities Council**. At: <https://minorityrights.org/country/iraq/>
- Cordesman, Anthony H. (2015). **Iraqi Stability and the “ISIS War”**. Center for Strategic and International Studies (CSIS). Available at: <http://csis.org/publication/iraqi-stability-and-isis-war>
- Cordesman, Anthony H. and Khazai, Sam (2014). **Shaping Iraq’s Security Forces**. Center for Strategic and International Studies (CSIS). Available at: <http://csis.org/>
- Eisenstadt, Michael (2015). **Iran and Iraq**. The Washington Institute for Near East Policy. Available at: <http://www.washingtoninstitute.org>.
- Human Right Watch (25 September 2019). **Iraq: Appeals Court ignoring torture claims**. At: <https://www.hrw.org/news/2019/09/25/iraq-appeals-courts-ignoring-torture-claims>
- Human Right Watch (31 January 2013). **Iraq: A broken justice system**. At: <https://www.hrw.org/news/2013/01/31/iraq-broken-justice-system>
- Kennedy, Brian A. (2015). **The Shaikh’s Republic: The Kurdish Regional Government’s Incorporation of Tribalism**. *Politics Honors Papers*. 3. At: https://digitalcommons.ursinus.edu/pol_hon/3
- Khalil, Shatha (August 6, 2018). **The Rentier Mentality of the government destroys the Iraqi economy**. Relation Center. At: <https://rawabetcenter.com/en/?p=6436>
- KurdMedia (January 10, 2007.). **Bloodline Instead of Merit: The Talabanis**. IndyBay (blog). At: <http://www.indybay.org/newsitems/2007/01/10/18345489.php>.
- Otterman, Sharon (February 2, 2005). **IRAQ: The Role of Tribes**. Council on Foreign Relations. At: <https://www.cfr.org/background/iraq-role-tribes>
- Pevehouse, J. C. (2002-06-01). **Democracy from the Outside-In? International Organizations and Democratization**, *International Organization*, 56 (3).
- Phillips, David L. (2015). **The Kurdish Spring: A New Map of the Middle East**. Routledge
- Smith, Ben (19 March 2015). **ISIS and the sectarian conflict in the Middle East**. **House of Commons research paper**. 15, 16.
- Taneja, Preti (2011). **Iraq’s Minorities: Participation in Public Life**. Minority Rights Group International. At: <https://www.refworld.org/pdfid/4ed612bc2.pdf>
- United States Commission on International Religious Freedom (2015), **IRAQ, ANNUAL REPORT**. Available at: <http://www.uscirf.gov/>.
- World Bank (May 01, 2020). **The World Bank in Iraq**. At: <https://www.worldbank.org/en/country/iraq/overview>.
- World Bank Group (2015). **The Kurdistan Region of Iraq: Assessing the Economic and Social Impact of the Syrian Conflict and ISIS**. At: <https://openknowledge.worldbank.org/handle/10986/21637> [Accessed 30 Aug 2018].

Zaman, Amberin (Jan 20, 2016). **Is the KRG heading for bankruptcy?** Al-monitor. At: <https://www.al-monitor.com/pulse/originals/2016/01/turkey-iraq-kurds-cash-crisis-derail-b>

یورونیوز (٧ می ٢٠١٩)، انتقاد از سیستم قضایی عراق به دلیل دستگیری و شکنجه کودکان مظنون به همکاری با داعش، قابل دسترس در:

<https://per.euronews.com/2019/03/07>

که‌تزم، کنیز و دیگران(١٣٩٣)، قهرانی ده‌ولتی ئیسلامی و هه‌لویستی ئەمریکا، له ئینگلیزییه وه: ره‌زا فه‌رامه‌ری، وه‌رنامه‌ی زریبار، ژماره‌ی ٨٧ و

٨٨

گه‌ردی، حمید (٢٠٠٦)، هوزی گه‌ردی له کوردستان و جیهاندا: میرناوده‌لی، بابان، فه‌یزوولابیه‌گی، گه‌رگه‌ری، عگیدات، گولی: لی کولینه وه به کی

مه‌یدانی میژوویی

ئه‌لیاسی، قادر (٢٠ گه‌لاویزی ٢٠١٤)، داعش، هه‌ریمی کوردستان و ولاتان، کوردستان میدیا، له:

<https://kurdistanmedia.com/so/news>

کوردن‌ه‌ژاد، حوس‌ئن (١٩ ئاگست ٢٠١٧)، رێفراندۆمی کوردستان له به‌ست‌ئنی سیاس‌تی ناوچ‌ه‌دا، گولان، له:

<http://gulan-media.com/sorani/articles.php?eid=300&id=5565>

رێبوار، ه‌ل‌ات (١٦ حزیران ٢٠٢٠)، به‌ه‌وی ه‌ئرش‌ه‌کانی بۆ س‌ه‌رچ‌ه‌ند ناوچ‌ه‌ی ه‌کی ه‌رئمی کوردستان، ع‌ئراق بال‌ی‌ۆزی تورکیا

بانگه‌ئ‌شت ده‌کات، کوردستان ٢٤، له:

<https://www.kurdistan24.net/so/news/b3b15cab-4f25-4401-93f9-be593a68bd82>

نوجه‌نیت (٢٥ کانونی هه‌ول ٢٠١٧)، نت‌ه‌ئ‌کی ئ‌ه‌مریکی: گرتن‌ه‌وی ک‌ه‌رکوک ده‌ستکه‌وت‌ئ‌کی گ‌ه‌وره‌ی ئ‌ئ‌ران بوو، له:

<http://www.nuche.net/?p=111350>

مه‌لابی، ه‌لمه (٢٣ ته‌موز ٢٠٢٠)، کاریگ‌ه‌ری تاران له س‌ه‌ر ه‌ول‌ئ‌ر و به‌غدا پ‌وره، هه‌والئ‌یری میهر، له:

<https://www.google.com/amp/s/ku.mehrnews.com/amp/33405/>

ماله‌بری کوردپا (١٧ نوامبر ٢٠١١)، حکووم‌ه‌تی ئ‌ه‌مریکا گ‌رووی ئ‌ه‌لقاعیده "گوردانی کورد" ی به‌ تیرق‌ریست له ق‌ه‌لم دا، له:

<https://kurdpa.net/so/news/%D8>

رووداو (١ مارس ٢٠٢٠)، قاسم سوله‌یمانی و ئه‌بومه‌هدی موه‌ندس کوژان، له:

<https://www.rudaw.net/sorani/middleeast/iraq/03012020>

مه‌سیفی، ئاراس (١٠ مه‌ی ٢٠٢٠)، به‌رپر‌سیاری ئ‌تبی ز‌فرین‌ه‌ به‌رام‌ه‌ر مافی ک‌ه‌مین‌ه‌کان، کوردستان تایمز، له:

<https://kurdistantimes.org/2020/05/10/>

کوردستان میدیا (٢٨ ئاپریل ٢٠٢٠)، ویلای ه‌ت‌ه‌ی ه‌گرتووه‌کانی نامریکا، داوای له ه‌رئمی کوردستان کرد که واز له په‌یوه‌ندی ه‌ سیاسی و

بازگانی ه‌کانی له‌گ‌ه‌ل ر‌ئ‌ژیمی ئ‌ئ‌راندا به‌ئ‌ن‌ت، له:

<https://kurdistanmedia.com/so/news/>

ده‌ستوری ک‌ۆماری ع‌ئراق به‌ زمانی کوردی (٢٠١٨/٢/١٣)، ر‌ئ‌ک‌خ‌راوی کوردستان ب‌ۆ ه‌م‌و‌ان، له:

<http://www.keodd.org/view?news=52197&part=4>

مه‌نمی، دانا (٧ کانوونی دووه‌می ٢٠٢٠)، کوردو شیعه - ئ‌ئ‌ران سه‌ئ‌رالی شیعه‌کانی جیهان، ستانده‌ر، له:

<http://skurd.net/2020/01/07/%D9>

ده‌نگی ئامریکا (٢٠٠٣/١١/٤)، سه‌رگوتار: ئه‌ن‌سار ئه‌ل ئیسلام له ع‌ئراقدا، له به‌رده‌سته له:

<https://www.dengiamerika.com/a/a-58-a-2003-11-04-3-1-89151732/941170.html>

پیامی کورد (١٩ حزیران ٢٠٢٠)، س‌ه‌عوودی ه‌ئ‌رش‌ه‌ مووش‌ه‌کی و ت‌ف‌بخان‌ه‌ی ه‌کانی ب‌ۆ س‌ه‌ر سنووره‌کانی ه‌رئمی کوردستان به‌ توندی

م‌ه‌حکوم کرد، له:

<http://www.peyamakurd.com/sorani/>

ئین‌نارتی (٢٢ مه‌ی ٢٠١٩)، قوباد تاله‌بانی: پشتب‌ه‌ستنی ز‌فر به‌ سامانی نه‌وت ت‌ه‌م‌ه‌لیی دروستکردووه، له:

<https://www.nrttv.com/News.aspx?id=16431&MapID=1>

یه‌کیتی نیشتمانی کوردستان (٢٠١٩/٢/٨)، حاکم قادر: شه‌وکه‌تی حاجی موشر پیاوی ئه‌رکه قورسه‌کان بوو، له‌به‌رده‌سته له:

https://www.pukmedia.com/KS_Direje.aspx?Jimare=135727